

The Presuppositions and Principles of Mahdavi Narrations in Muntakhab Al-‘Athar

Ahmad Karimi¹

Fateme Daneshi²

DOI: 10.22051/TQH.2021.33267.2987

Received: 26/09/2020

Accepted: 01/03/2021

Abstract

Understanding the logic governing the validation of a hadith depends on knowing the presuppositions and principles of each approach. The selection of Mahdavi narrations in the book of Muntakhab al-‘Athar fī Imam Al-Thānī ‘Ashar by Grand Ayatollah Sāfī, which is based on a holistic reading, involves not only Shiite but also Sunni narrations in the process of finding evidence and selecting the appropriate narrations. Since a correct understanding of the hadith thought system of the book allows for further evaluations, this study, concerning the lack of a design of the structure and network governing the selection of narrations in the book, tried through a thematic analysis to identify its presuppositions and theological foundations. Findings show that meta transmissonal validation of Mahdavi narrations in the book has important presuppositions such as the first principle of the invalidity of wāhid hadith (hadith with a single transmitter) in the theological doctrines, as well as the attention to the methodology of the early hadith scholars in the acquisition of hadiths (tahammul). Also, it relies on principles such as the Possibility Rule (Qā’ida Imkān). Accurate rereading and understanding of the criteria used by early scholars for jarh wa ta’dīl (endorsing or discarding transmitters), as well as paying attention to the book-oriented basis of the early Shiite scholars in evaluating hadith, lead to applying the innocence principle for the unknown narrators of early hadith sources. The frameworks and intellectual context of the hadith evidentialist approach of Muntakhab al-‘Athar have made the arrangement and validation of Mahdavi narrations to benefit from a systematic logic that, despite some considerations, has nothing to do with the hadith literalism, for it follows the defined standards.

Keywords: *Hadith Evidentialism, Meta Transmissonal Method, Muntakhab al-‘Athar fī Imam Al-Thānī ‘Ashar, Lotfollah Sāfī Golpāyegānī, Assessing Mahdavi Narrations.*

¹. Assistant Professor, Department of Islamic Theology, Qur’an and Hadith University, Iran. (The Corresponding Author) ahmad.karimi@gmail.com

². MA of Theology, Qur’an and Hadith University, Iran. f.daneshi.hadith@gmail.com

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (ع.ا.س)

سال هجدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، پیاپی ۵۰

مقاله علمی - پژوهشی، صص ۱۵۷-۱۷۹

پیش فرض ها و مبانی اعتبارسنجی روایات مهدوی (علیه السلام)

در کتاب شریف منتخب الاثر

احمد کریمی^۱

فاطمه دانشی^۲

DOI:10.22051/TQH.2021.33267.2987

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

چکیده

فهم منطق حاکم بر اعتبارسنجی حدیث منوط به شناخت پیش فرض ها و مبانی هر رویکرد است. گزینش روایات مهدوی در کتاب منتخب الاثر که بر اساس خوانشی کل نگر و فراسندی صورت پذیرفته نه تنها روایات شیعه بلکه عامه را نیز در فرآیند قرینه یابی و به گزینی شرکت می دهد. از آنجا که درک صحیح از دستگاه فکر حدیثی کتاب، امکان ارزیابی های بعدی را فراهم می نماید، این پژوهش با عطف نظر به خلاء وجود طرحی از سازه و شبکه حاکم بر گزینش روایات در کتاب منتخب الاثر تألیف آیه الله العظمی صافی تلاش کرده تا با روش تحلیل مضمون، پیش فرض ها و مبانی

^۱ استادیار گروه کلام دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Ahmad.karimi@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد کلام، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران. f.daneshi.hadith@gmail.com

حدیث شناختی کتاب را مشخص نماید. نتایج این پژوهش نشان داد اعتبارسنجی فراسندی روایات مهدوی در منتخب‌الاثرا از پیش‌فرض‌های مهمی همچون اصل اولی در عدم حجیت خبر واحد در اعتقادات و توجه به روش‌شناسی قدما در طرق تحمل حدیث برخوردار است و به مبناهایی مانند قاعده امکان و طرح احتمالات تکیه دارد. نیز بازخوانی و فهم دقیق معیارهای جرح و تعدیل قدما و همچنین توجه به مبنای اثر محور متقدمان در ارزیابی و اخذ به حدیث، منجر به جریان اصالة البرائه در روایان مجهول منابع متقدم است. چارچوب‌ها و بستر فکری رویکرد قرینه‌گرایی حدیثی منتخب‌الاثرا، موجب گردیده تا چیش و اعتبارسنجی روایات مهدوی در این کتاب، از منطقی نظام‌مند بهره‌مند باشد که به رغم برخی تلقی‌ها نسبتی با ظاهرگرایی حدیثی ندارد؛ زیرا به وضوح از استانداردهای تعریف‌شده‌ای تبعیت می‌کند.

واژه‌های کلیدی:

قرینه‌گرایی حدیثی، روش فراسندی، منتخب‌الاثرا، لطف الله صافی گلپایگانی، اعتبارسنجی روایات مهدوی.

مقدمه و طرح مسئله

در یک تقسیم‌بندی کلی اسناد خبر به دو گونه متواتر و آحاد قابل شناسایی است (ر.ک: سبحانی تبریزی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۳؛ مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۸۷). اخبار متواتر به آن دسته از روایاتی گفته می‌شود که روایانش تا معصوم در همه طبقات، به درجه‌ای از تعدد باشند که در نتیجه امکان تبانی برای جعل یا کذب، منتفی باشد. خبر متواتر خود دارای سه نوع است: «متواتر لفظی، متواتر معنوی و متواتر اجمالی».

متواتر لفظی، خبری است که همه ناقلین مضمون آن را به یک لفظ نقل کرده باشند و این معنی به ندرت در اخبار وجود دارد. متواتر معنوی نیز به حدیثی گفته می‌شود که مورد تواتر قدر مشترک چند خبر باشد و به عبارت دیگر مضمون چند حدیث یکی ولی قالب الفاظ آن‌ها متفاوت باشد، مانند شجاعت امیرالمؤمنین که مفاد مشترک جمعی از اخبار است. متواتر اجمالی نیز علم اجمالی به صحت یکی از چند حدیثی است که در یک موضوع وارد شده مانند اخبار مختلفی که برای حجیت خبر واحد استشهد شده که گرچه در یکایک آنها می‌توان خدشه کرد ولی صدور یکی از آن جمع، به تواتر اجمالی ثابت است (ر.ک: مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۲ش، ص ۳۷).

در مقابل، خبر واحد خبری است که به حد تواتر نرسیده و بر خلاف خبر متواتر در اعتقادات، افاده علم نمی‌کند و فاقد اعتبار می‌باشد. خبر واحد عمده اخبار موجود در جوامع حدیثی را در برمی‌گیرد. در صورتی که اخبار واحد دارای قرائنی باشند که اطمینان به صدور شان محرز شود می‌تواند در اعتقادات مورد وثوق قرار گیرند. خبر واحد خود به ۴ دسته صحیح، حسن، موثق و ضعیف تقسیم می‌گردد. خبر واحد دارای سند متصل به معصوم که روایانش همگی عادل و امامی باشند صحیح نامیده می‌شود اما خبری با سند متصل به معصوم و روایان امامی که در کتب رجالی مورد مدح واقع شده اما به عدالت شان صراحتاً اشاره نگردیده حسن نامیده می‌شود. موثق اما در عین اتصال به معصوم و عدالت روات، دارای مشکلاتی در حداقل برخی روات در مورد امامی بودنشان می‌باشد. با عنایت به تقسیمات فوق، یافتن سنت قطعی از طریق دو راه میسر است: خبر متواتر و خبر محفوف به قراین. بدین ترتیب با دو رویکرد مواجهیم: رویکردهای سندی نسبت به حدیث و رویکردهای فراسندی یا قرینه‌گرا.

نحوه اعتبارسنجی حدیث در جریان‌های درونی سنت دینی را می‌توان به اعتباری معرفت‌شناختی به دو رویکرد قرینه‌گرا یا فراسندی و سند‌گرا تقسیم کرد. جریان‌های حدیثی سند‌گرا با موشکافی‌های سندی و رجالی و تأکید بر پالایش و طرد روایاتی که دچار ضعف

سندی هستند خود را بیش و کم نماینده تفکری ضد ظاهرگرا و عرفی معرفی کرده‌اند که در پذیرش روایات از معیارهای عقل‌گرا و سخت‌گیرانه‌تری حمایت می‌کند. اما در عین حال، آنان همواره با این انتقاد مواجه‌اند که این رویکرد از فهمی کل‌نگر به منظومه روایی محروم است و بخش عمده‌ای از ذخایر گران‌بهای حدیث شیعه، که میراث پر ارج عصرها فدکاری و مجاهدت عالمان، راویان و محدثان بزرگ شیعه است باید فدای روش‌شناسی سندمحور ایشان گردد.

در مقابل، رویکرد فراسندی در بررسی و اعتبارسنجی احادیث، رویکردی کل‌نگر و گشتالتی دارد و مسأله اعتبار حدیث را در دایره مضیق سند، محدود نمی‌کند بلکه معیارهای اعتبارسنجی را بر اساس مجموعه قرآینی همانند علو مضامین و جهات صدور و مانند آن فراخ می‌بیند؛ هرچند خصوصاً در دهه‌های اخیر و با فزونی گرفتن تمایلات به روش‌های رجالی با افول و انتقاداتی مواجه گردیده است. نمی‌توان انکار کرد که طرفداران این نظریه، حداقل در تنقیح پیش‌فرض‌ها و مبانی نگرش خویش کمتر تمایل نشان داده‌اند و از همین روی، و به دلیل عدم تقریر دقیق مبانی نظریه، نگرش‌های ایشان به تسامح در اعتبارسنجی حدیثی و نداشتن مبانی نظری و چارچوب‌های مفهومی متهم گردیده است.

نمونه کاربردی پیش‌روی این پژوهش، کتاب «منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام» اثر سال ۱۳۷۳ قمری آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی، از مراجع کنونی تقلید و نویسنده آثار بسیار مهمی در حوزه مهدویت است. کتاب، علاوه بر جامعیت در جمع‌آوری روایات عامه و خاصه در مهدویت با استفاده از ۶۵ منبع معتبر سنی و ۹۵ منبع شیعی و مجموعاً ۱۲۰۰ روایات، از نظام چینش جدید روایی و روش‌شناسی خاص و تحسین‌برانگیزی برای اعتبارسنجی و استنباط روایات مهدوی بهره گرفته است (طهرانی، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۳۶۷).

در این اثر به‌جای تکرار هر حدیث در هر باب، در آخر باب به حدیثی که یک مرتبه در کتاب آورده شده با ذکر محل و شماره آن اشاره شده و در بقیه موارد، شاهد بحث ذکر

گردیده است. از آثاری می‌توان نام برد که در زمره پیشینه عام این پژوهش به شمار می‌رود و از آن جمله است مقاله «برگزیده آثار در طول قرون و آثار» از علی اکبر مهدی پور که به معرفی اجمالی کتاب و روش آن پرداخته است. نیز مجموعه مقالات «بازشناخت مبانی اصالت میراث حدیثی امامیه» در نخستین همایش واکاوی اصالت میراث حدیث شیعه که تلاش می‌کند تا مبانی و نگرش رویکرد فراسندی به حدیث را تبیین نماید.

روش تحقیق

این پژوهش بر اساس روش تحلیل مضمون یا تحلیل تماتیک سامان یافته که پس از گردآوری و تحلیل داده‌ها، تلاش می‌کند تا پس از کدگذاری برای مفاهیم مشترک، «تم» یا مضمون‌های اصلی را بیابد و به دلیل ماهیت الگویابی آن به روش‌های داده‌بنیاد نزدیک می‌گردد. از آنجا که فراسندیان کمتر به تنقیح مبانی و اصول خویش به نحوی مستقل دست یازیده‌اند مسأله این پژوهش آن بوده که بستر معرفتی اعتبارسنجی قرینه‌گرایانه در کتاب منتخب‌الآثر چه بوده است و برای پیدا کردن منطق‌گزینش روایات و قلمرو آن در این کتاب تلاش کرده تا به این پرسش پاسخ دهد که پیش‌فرض‌ها و مبانی حدیث‌شناختی حاکم بر گزینش و اعتبارسنجی کتاب منتخب‌الآثر چه بوده است. بدین منظور، پس از بررسی روش‌های مختلف، نویسندگان یکی از مناسب‌ترین روش‌ها در جهت نیل به پاسخ را روش تحلیل مضمون بر اساس الگوی براون و کلارک (Braun & Clarke, 2006) دیدند.

بر اساس این روش داده‌های لازم از سند، گردآوری شده و سپس به تحلیل داده‌ها از طریق آشنایی و غرقگی و مرور چند باره آنها، ایجاد کدهای اولیه و برچسب‌گذاری، جستجو و یافتن مضامین اصلی، بازنگری و پالایش آنها، و در پی آن طراحی شبکه مضامین و تحلیل آنها اقدام نمودیم. چارچوب مفهومی پژوهش، پدیدارشناسانه است و تلاش شده تا در یافتی هم‌دلانه، غیر تحویلی و دور از سوگیری از نگاه مؤلف منتخب‌الآثر در باره

موضوع پژوهش به دست آید و دستگاه فکری حاکم بر کتاب در گزینش و اعتبارسنجی روایات مهدوی نشان داده شود.

۱. پیش‌فرض‌های فراسندی در اعتبارسنجی روایات

گردآوری، تحلیل داده‌ها و مضامین اصلی بر اساس کتاب منتخب‌الاثار نشان می‌دهد نظام اعتبارسنجی روایات در رویکرد قرینه‌گرای حدیثی کتاب، دارای پیش‌فرض‌های مهمی است که هرچند ممکن است به نحو مستقل به آن اشاره نگردیده اما در فرآیند گزینش روایات کتاب به نحوی چشمگیر ایفای نقش نموده است. یافته‌های ما پس از پالایش و تحلیل اطلاعات، به پیش‌فرض‌های ذیل، منجر گردید که به نوبه خود می‌تواند نشان دهد فراسندیت در منتخب‌الاثار از چه شبکه مفهومی و منطق فکری تبعیت می‌کند.

۱-۱. اصل اول در عدم حجیت خبر واحد در اصول عقاید

یکی از پیش‌فرض‌های مهم در منتخب‌الاثار، اصل اولی در اخبار اعتقادی عدم حجیت خبر واحد است. زیرا در باب عقاید، یقین مطلوب شارع است و یقین نیز نیازمند علت است که از قطعی‌الصدور بودن یا قطعی‌الدلاله بودن روایت به دست می‌آید، اما اثبات قطعیت صدور از طریق تواتر و یا وجود فراین مفید یقین ممکن است؛ در نتیجه اگر در مورد خبری نه قطع بر صدور و نه قطع بر دلالت آن داشته باشیم خبر واحد یقین آور نیست و اعتقاد به مضمون آن نه واجب است و نه صحیح (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ ش، ج ۶، ص ۳-۴ و ۱۵۱).

۲-۱. توجه به روش‌شناسی قدما در طرق تحمل حدیث

پیش‌فرض دیگر آن است که گزینش و اعتبارسنجی روایات، بدون توجه به منطق فهم روش‌شناسی قدما در طرق تحمل حدیث، ناتمام و ناقص است. دانستن این نکته که متقدمان از گردآورندگان میراث حدیثی شیعه کدام احادیث را و با چه شیوه اعتبارسنجی در کتب

خویش وارد می‌ساخته‌اند، می‌تواند میزان اعتبار گزارش‌ها و کتب آنان را نزد ما آشکار سازد. از همین روی، مؤلف این نکته را متذکر می‌گردد که روش متقدمین در بررسی و اعتبارسنجی روایات می‌تواند نقشه راه حرکت امروز ما در کشف میراث حدیث شیعه باشد (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ش، ج ۱، ص ۱۵-۱۴).

در این صورت باید دانست که متقدمان همواره تمایل داشته‌اند تا بیشتر از سه روش به نقل خبر پردازند: «قرائت، سماع و مناوله». سماع، بهترین و رفیع‌ترین نوع تحمل حدیث دانسته شده که عبارت است از شنیدن مستقیم راوی از دهان شیخ و فرقی نمی‌کند این الفاظ را از روی کتابی بخواند یا از حفظ ادا کند. قرائت: خواندن شاگرد بر شیخ چه از حفظ باشد و چه از روی کتاب خوانده شود و در رتبه دوم از طرق تحمل روایت قرار دارد. مناوله: دارای دو نوع است که بالاترین و قوی‌ترین صورت آن این است که شیخ کتاب یا حدیث نوشته شده‌ای را به شاگرد بدهد و بگوید آن را در اختیار تو قرار دادم یا اجازه نسخه‌برداری از روی اصل را به شاگرد بدهد (شهید ثانی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۳۱؛ حارثی العاملی، ۱۴۳۶ق، ص ۱۹۶).

این در حالی است که برای متقدمان از اصحاب، امکان نقل روایت، از طریق وجاده وجود داشت اما تکیه بر سه روش فوق، مانع از به کارگیری وجاده شده و رسمشان آن بود که بدون واسطه مشایخ خود از کتاب، نقل نمی‌کردند هرچند اصل کتاب نزد آنان موجود بود. در این باره، منتخب‌الآثر نمونه‌ای را ذکر نموده است: ابن عیاش جوهری در کتاب «مقتضب‌الآثر» پس از بیان حدیثی در خصوص نام ائمه اثنی عشر به نقل از ثوابه بن احمد موصلی و به سندش از سالم بن عبدالله بن عمر، از پدرش عبدالله بن عمر می‌گوید:

«پیش از آن که این حدیث را از ثوابه موصلی بنویسم، آن را در نسخه وکیع بن جرح که نزد ابوبکر محمد بن عبدالله به عتاب بود، دیدم و ابوبکر می‌گفت که آن نسخه را به واسطه ابراهیم بن عیسی قصاص، از وکیع بن جراح روایت می‌کند. من آن حدیث را در اصل

نسخه و کیع دیدم و از ابن عتّاب در خواست کردم که آن حدیث را از روی نسخه و کیع برایم نقل کند، اما او از روی کینه و دشمنی با اهل بیت از این کار امتناع ورزید و گفت: من این حدیث را نقل نمی‌کنم و سایر احادیث را برایم نقل کرد آن هم نه از روی نسخه اصل، بلکه از کتابی که خودش احادیث و کیع را در آن ثبت کرده بود. بعداً ثوابه همان حدیث را برایم نقل کرد. اما اگر ابن عتّاب روایت را برایم نقل می‌کرد سندش کوتاه‌تر بود» (ابن عیاش الجوهری، بی تا، ص ۲۳).

موارد دیگری از این دست و اهتمام قدمای اصحاب به اجازه نقل حدیث (برای مثال، ر.ک: نجاشی، ۱۳۸۲ش، ص ۳۹-۴۰؛ کشی، ۱۴۰۸ق، ص ۵۰۷) نشان می‌دهد عدم نقل برخی احادیث نه به معنای عدم صحت آنها بوده، بلکه به معنای عدم دستیابی صاحبان کتب روایی و حدیثی به آن خبر، از طریق روش‌های معمول و معتابه آن زمان یعنی قرائت، سماع و مناو له بوده است و عدم وجود روایت در منابع متقدم الزاما به معنای عدم صدور آن از معصوم نیست زیرا روش‌شناسی خاص متقدمان، مانع از ورود روایاتی بوده که از طرق غیر شناخته شده به دستشان می‌رسیده است. این جریان همچنین حکایت از لزوم توجه به پیش‌فرض‌های فرهنگی و تاریخی تاثیرگذار در گزارش روایات دارد؛ کینه‌توزی‌ها و حتی محافظه‌کاری برخی راویان در عدم نقل احادیث و از سویی دیگر تأکید برخی راویان بر روش‌های معمول آن زمان در تحمل حدیث، نقش بافت فرهنگی و تاریخی را در گزارش حدیث، نشان می‌دهد.

بر اساس پیش‌فرض نحوه تحمل حدیث در میان متقدمان است که مؤلف منتخب‌الاثار نتیجه می‌گیرد غالب کتب و اصول حدیثی و حتی همه آنها که در قرن‌های اول تا سوم تدوین گردیده‌اند و احادیث امام زمان و ائمه اثنی عشر در آن مندرج بوده نزد افرادی مانند شیخ صدوق، طوسی، فضل بن شاذان، نعمانی و دیگران که در موضوع غیبت امام زمان

کتاب نوشته‌اند موجود بوده است؛ پس کتاب‌ها نزد شاگرد که از جانب شیخ و استادش در نقل روایت، مجاز بوده و همچنین نزد خود استاد وجود داشته و مؤلفان فوق بدون واسطه به اصول حدیثی دسترسی داشته‌اند و اگر سندی در کتاب‌های روایی متقدم شیعه که میراث مهدوی را در اختیار گذارده دارای ضعف یا افتادگی بود.

این نقاط ضعف ادعایی در سند شیخ صدوق و شیخ طوسی و نعمانی و دیگر متقدمان آسیبی به اعتبار روایت نمی‌رساند زیرا آنها از طریق وجاده و بدون واسطه استاد به نقل روایت نمی‌پرداختند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ ش، ج ۱، ص ۱۴-۱۷).

به علاوه، شواهد نشان می‌دهد که متقدمان به اصول حدیثی‌ای دسترسی داشتند که غالب آنها به مرور زمان از بین رفته است. پس اگر بنا باشد وجاده را مبنا بگیریم واسطه‌ای میان شیخ طوسی و کتاب مشیخه ابن محبوب نیست و میان ما و ابن محبوب نیز تنها واسطه، شیخ است. در این صورت، وثاقت راوی و صدق مخبری جای خود را به خبر موثوق به و صدق خبری می‌دهد که مبنایی در رویکردهای قرینه‌گرای کتاب‌محور است. این پیش‌فرض دارای شواهد و دلایل مهمی در کتب رجالی نیز هست؛ برای مثال، ابن غضائری در شرح حال حسن بن محمد بن یحیی بن حسن او را کذاب و واضح حدیث می‌نامد که به مجاهیل ناآشنا در روایت خویش اعتماد کرده است اما در ادامه می‌نویسد:

«و ما تطیب الانفس من روايته الا في ما رواه من كتب جده التي

رواها عنه غيره» (ابن الغضائری، ۱۳۶۴ ش، ص ۵۳).

توجه به معیارهای اعتبار سنجی روایات و کاربست روش‌های سه‌گانه میان متقدمان، نشان می‌دهد انتقاد جهل به احوالات راوی، اتهام غلو و دیگر انتقادات در مورد سلسله سند کتب روایی راویان متقدم همچون کلینی، صدوق، طوسی و نعمانی و ... منتفی یا قابل دفع است. در پاره‌ای موارد، تشکیک در صحت احادیث مهدویت به دلیل وجود روایانی در سلسله اسناد این‌گونه روایات است که در کتب رجالی مجهول بوده و اشاره‌ای به احوالات

آنان نشده و یا هیچ‌گونه توثیق و تضعیف در مورد آنان صورت نگرفته و عدالت شان مورد تردید است.

اگر سند حدیث سعد بن عبدالله که عبارت از روایانی چون: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَاتِمِ التَّوْفَلِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَيْسَى الْوَشَّاءِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ طَاهِرِ الثَّمَمِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَحْرِ بْنِ سَهْلِ الشَّيْبَانِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مَسْرُورِ بْنِ، عَنْ سَعْدِ عَبْدِ اللَّهِ الْقَمِّيِّ قَالَ...» است، توسط مؤلف اخبارالدخيله جعلی دانسته شده، زیرا به اعتقاد شوشتري چهار واسطه مجهول در سلسه سند این روایت مشاهده می شود و در نتیجه، بنای عقلا در اعتماد به یک گزارش، که وابسته به دو عنصر صداقت و ضبط در راوی است، مخدوش گردیده است.

اشکال فوق، می تواند پرسشی بنیادین را رقم بزند که اساساً چرا در کتب حدیثی شیعه با فراوان روایان مجهول و یا غیر موصوف به عدالت و صدق رو به روییم و چگونه مؤلفان متقدم با وجود دقت‌های فراوان در نقل حدیث به این روایان اعتماد کرده‌اند؟.

در پاسخ به آن، می توان فرضیه منتخب‌الاثرا را تا بدین جا این گونه بازسازی و خلاصه نمود که چون می‌دانیم متقدمان در نقل روایت، دقت فراوانی داشته‌اند؛ در عین حال، مجاهیل در اسناد شان یافت می‌گردد، پس متصور است که یا آنان به رغم سیره شرعی و عقلی، ساده‌انگارانه به نقل هر حدیثی پرداخته‌اند و یا آنکه گزارش ایشان مبتنی بر روش شناسی خاصی در اعتبارسنجی بوده است. آیت الله صافی، احتمال اول را با توجه به دقت نظر و جایگاه مؤلفان متقدم، منتفی می‌دانند و درصدد است تا از طریق کشف روش شناسی آنان که پیش از این معرفی گردید و بر اثر محوری تأکید داشت، مبنایی را برای اخذ به اخبار در اصول اعتقادی بیابد.

با این حال و در مقابل، ادعا شده که ممکن است متقدمان در این باره، اصالة العدالة را جاری نموده‌اند اما برای ما احراز عدالت آن دسته از افراد جز از طریق کتب رجالی امکان‌پذیر نیست که در آنجا نیز نشانی از جرح و تعدیل‌شان نمی‌یابیم. در این صورت باید دید جریان اصالة العدالة نزد آنان به چه معنا بوده است. منتخب‌الاثرا با طرح ۳ احتمال، نحوه

تمسک به اصالة العدالة را نزد صدوق و مانند او برای جواز پذیرش خبر از راوی در اصول عقاید جستجو می کند تا با ابطال احتمال اول، نشان دهد حتی جریان اصالة العدالة نیز مترتب بر وضوح احوال راوی نزد متقدمان، بالوجدان یا بالاصل بوده است:

۱. متقدمان، شرط اعتماد به روایت را عدالت و صدق مخبر می دانسته اند اما علم به حسن ظاهر راوی را در عدالت معتبر نمی دانستند و بنا را بر عدالت راویانی می گذاشتند که فساد عقیده و فسقشان ثابت نبود. این احتمال، مردود است؛ زیرا اساساً عدالت سابق یقینی وجود نداشته تا بتوان به استصحاب، به عنوان اصل تبعیدی شرعی تمسک کرد و اصل تبعیدی عقلایی که سیره عقلا باشد نیز در این زمینه وجود ندارد.

۲. احتمال دیگر آن است که حسن ظاهر حاکی از عدالت به معنای ملکه نفسانی است و یا در کشف عدالت به معنای مذکور، طریقت دارد و در نتیجه منظور از اصالة العدالة همین دارا بودن حسن ظاهر باشد که فقدانش به معنای نبودن ملکه درونی و حالتی روحی است که ارتکاب معصیت را برای فرد دشوار سازد و یا در صورت وقوع معصیت، خود را ملامت کند و درصدد توبه و تدارک بر آید. این احتمال را می توان درباره محدثین قدیم متصور دانست که آنان احادیث را از اساتید و مشایخشان نقل کرده اند که از ظاهر حالشان و مذهب و گرایش آنان با خبر بوده اند و اگر این مشایخ، شیعه نبودند یا مورد طعن و ایراد قرار داشتند حتماً به آن اشاره می کردند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ش، ج ۶، ص ۹۲). مؤلف منتخب الاثر این احتمال را درباره متقدمان، متصور می داند.

۳. احتمال سوم آن است که ملاک عمل قدما در اصالت صدق و عدالت، جریان اصالة البرائة درباره راویانی بوده است که صدور فسق از آنان یا هر چه موجب سست شدن اعتماد به آنها شود احراز نگردیده بود. بنای عقلا در اعتماد و عمل به خبر راوی واحد نیز بر همین منوال و تازمانی است که گناه موجب فسق مرتکب نگردد؛ زیرا عملاً کمتر اتفاق می افتد که بتوان صدق و عدالت افراد را احراز نمود و در صورت ملاک قرار دادن احراز،

اختلال نظامات زندگی اجتماعی و تفویت مصالح لازم می‌آید. لذا ملاک صدق خبر در سیره عقلا احراز عدالت نیست.

پس، تا زمانی که وجدانا یا تعبدا احراز نشود که مخبر مرتکب کبیره گردیده است صاحب عدم جاری می‌کنیم و اصل بر عدم است و آیه نباء نیز صرفا بر وجوب تحقیق درباره خبر فاسق، یعنی کسی که از حد تجاوز کرده و کبیره‌ای مرتکب شده، دلالت دارد اما اگر عدم ارتکاب کبیره را بالوجدان یا با اصل، احراز کردیم تحقیق منتفی است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ ش، ج ۶، ص ۹۳).

۲. مبانی اعتبارسنجی روایات در منتخب‌الاثار

۲-۱. بازخوانی ملاک‌ها و مستندات احکام رجالی

به رغم دیدگاه‌های رایج در مطالعات حدیثی برای صحت سنجی، که عمدتا متأثر از نظرات مرحوم علامه حلی در ابتدای قرن ۸ بر ارزیابی راوی محور تمرکز دارد، مسأله معیارهای اعتبارسنجی حدیث در میان متقدمان نباید از نظر دور بماند؛ شیخ حر عاملی، علائم ضعیف بودن حدیث را نزد آنان سه عنصر عدم علم به صدور روایت از معصوم به دلیل فقدان قرائن، وجود علم به صدور و در عین حال وجود معارض اقوی، عدم صحت مضمون به دلیل مخالفت با واقع می‌داند (عاملی، ۱۳۷۲ ش، ج ۳۰، ص ۲۷۳).

علامه مجلسی به علاوه بیان می‌دارد که اگر روایتی در اصول معتبره نبود نزد متقدمان ضعیف به شمار می‌رفت که به وضوح بیان می‌دارد توثیق و تضعیف، با معیار اثر و نه راوی بوده است (مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱، ص ۲۲). برخی پژوهشگران گزارشی از استمرار رویکرد قرینه محوری در روش اعتبارسنجی بزرگان امامیه ارائه کرده و به خوبی نشان داده‌اند که متقدمین از معیارهای متفاوتی در ارزیابی حدیث برخوردار بوده‌اند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷ ش، ص ۱۴۳-۱۷۱).

از آنجا که احکام رجالی ممکن است تابعی از اجتهاد و رای شخصی‌شان باشد بازخوانی ملاکات و مستندات احکام آنان ضرورت دارد و به علاوه پس از کشف این دو، باید دید ملاک آنان درباره امری مانند غلو، تا چه حد از اتقان برخوردار است و همچنین چه مستنداتی برای اتصاف راوی به صفتی ارائه می‌کنند و تا چه حد این مستندات قابل پذیرش است و از قبیل اجتهاد و شهادت حسی نیست. پذیرش مطلق اقوال رجالیان در توثیق یا تضعیف یک راوی موجب می‌گردد بسیاری از راویان پرروایت از دایره وثاقت خارج شوند. عدم شناخت معیارهای مؤلفان متقدم کتب حدیثی در اعتبارسنجی راویان و ناآشنایی با تعاریف متقدمان از اصطلاحاتی هم‌چون غلو سبب می‌شود تعداد زیادی از راویان را متهم نماییم (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ش، ج ۶، ص ۸۶ و ۹۴).

به همین دلیل، اعتبار آراء رجالیان متقدم در خصوص راوی مورد تردید قرار می‌گیرد و موجب تشکیک در مواضعی از اجتهادات آنان می‌شود، زیرا صدور این آراء برخاسته از مبانی متفاوت رجالیان با یکدیگر است که گاهی صرف احتمال متهم شدن فردی به پذیرش عقیده‌ای خاص را دلیل بر طرد همه روایات وی می‌دانند. در ادامه به نمونه‌ای از کاربریست این پیش فرض در منتخب‌الاثرا اشاره می‌شود. در سلسله سند کتاب «کمال‌الدین» چنین آمده است: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَاتِمِ النَّوْفَلِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَيْسَى الْوَشَائِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ طَاهِرِ الْقُمِّيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَحْرِ بْنِ سَهْلِ الشَّيْبَانِيِّ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مَسْرُورِ بْنِ سَعْدِ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِّيِّ قَالَ ...» (ابن بابویه، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۴۵۴).

مؤلف اخبار‌الدخيلة (تستری، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص ۱۰۴) یکی از قرائن جعلی خواندن روایت را حضور «محمد بن بحر شیبانی» در سلسله اسناد روایت دانسته، زیرا در بررسی رجالی (کشی، ۱۳۸۲ق، ص ۲۱۹) وی متهم به غلو شده است. مؤلف منتخب‌الاثرا اما پس از تبیین جایگاه علمی یکایک راویان، در حکم کشی تردید نموده و معتقد است چون احراز تفصیلی نظر کشی ممکن نیست نمی‌توان بر آن تکیه کرد و از آنجا که محمد بن بحر نزد رجالیان به دروغ و خیانت، متهم نیست و با سابقه علمی‌اش که از زمره متکلمان و فقها و

عالمان به اخبار در عصر خویش و صاحب آثار فراوانی بوده بعید است که وی در دایره غلات قرار گیرد لذا اعتماد به گزارشش رواست. اما حتی با مفروض دانستن صحت غلو وی آن دسته از روایاتش که مطابق مذهب او در غلو است پذیرفته نمی‌شوند و یا به مطلق روایات او که مشتمل بر غلو است اعتماد نمی‌شود (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲ش، ج ۶، ص ۸۶).

بنابراین از نظر مؤلف منتخب الاثر، به بازخوانی معیارها باید پرداخت و حتی گزارش‌های تاریخی در خصوص اشخاص مختلف، اولاً در یک سنجش قرینه‌گرا در کنار دیگر احوال و قراین، ارزیابی و اعتبار سنجی می‌شوند و حتی در صورت اثبات اتهامی مانند غلو، تنها روایاتی که دچار چنین نقیصه‌ای هستند طرد می‌گردند.

۲-۲. قاعده امکان، مسأله قرینه و طرح احتمال

مهم‌ترین مبانی نگاه فراسندی و قرینه‌گرای منتخب‌الاثر در مواجهه با اخبار آحاد در حوزه مهدویت، اخذ به قاعده امکان است که با طرح احتمالات ممکن و مبتنی بر آیات و روایات تلاش می‌کند تا:

اولاً؛ در مقام گزینش و گردآوری روایات مهدویت حتی‌الامکان از طرد احادیث بدون بررسی قراین، اجتناب گردد. این روش عدم طرد، خود در منابع نخستین رجالی، معمول به بوده و عباراتی همچون: «أخبرنا بروایاته کلها إلا ما کان فیه من غلو أو تخلیط» (طوسی، بی‌تا، ص ۱۴۵) یا «أخبرنا بروایاته کلها إلا ما کان فیه من غلو أو تخلیط» (طوسی، بی‌تا، ص ۱۴۶) دلایلی بر این مدعاست.

طوسی درباره محمد بن الحسن بن جمهور العمی البصری که می‌گوید دارای نگاه‌هایی درباره ملاحم و نیز امام زمان و همچنین وقت خروج قائم است می‌نویسد:

«أخبرنا بروایته و کتبه کلها إلا ما کان فیه من غلو أو تخلیط» (طوسی، بی‌تا، ص ۱۴۵).

ثانیاً؛ بعد از گردآوری حداکثری روایات، تاویل یا تاویل‌هایی از روایت را به دست دهد که بر اساس آن امکان اخذ به مدلول روایت فراهم آید. در نتیجه، قاعده امکان به معنای در نظر گرفتن و لحاظ آن دسته از احتمالاتی است که با وجود آنها نمی‌توان روایت را انکار کرد. مؤلف در ارزیابی روایاتی که جنبه اعتقادی دارند و صرفاً از طریق خبر واحد رسیده‌اند و به هیچ روی به تواتر نمی‌انجامند، طبق اصل اولی آنها را به تنهایی قابل اعتماد نمی‌داند اما با طرح مجموعه‌ای از احتمالات، این دسته از روایات را کنار نمی‌گذارد. در اینجا به نظر می‌رسد اخذ به قاعده امکان، خود بر مبنای پیش‌فرض‌های جزئی دیگری است که برخی منابع و اصول مهم حدیثی شیعه، در شرایط خفقان و دشمنی دوره‌های اولیه، یا به دلیل تقیه امکان بروز و ظهور نیافته و یا به دلایل طبیعی یا انسانی از بین رفته است.

لازم به ذکر است که این دیدگاه از منظری معرفتی به استدلال از راه بهترین تبیین، نزدیک است که امروزه در علوم تجربی کاربرد وسیعی دارد و در تبعیت از یک دیدگاه انسجام‌گرایانه معرفتی است که بر اساس آن می‌توان برای یک پدیده، احتمالات متنوعی را در نظر گرفت اما فرضیه بر استنتاجی مبتنی می‌گردد که بهترین تبیین را داراست. لحاظ نمودن قراین و احتمالاتی از جمله مویدیت به نصوص قرآنی و روایی گوناگون سبب می‌شود که این دسته از روایات را در حد احتمال بپذیریم و مطلقاً کنار نگذاریم.

به عبارت دیگر؛ تا زمانی که اخبار ضعیف‌السند و متعارض در ترازوی احتمالات قرار گیرند و آن احتمالات بر پایه عقل و نص قرآن و سایر روایات استوار و قابل اعتنا باشند امکان بیان آن از لسان معصوم (ع) وجود دارد و مادامی که نتوان احتمالات را نقض نمود حکم به طرد این دسته از روایات غیر معقول است. مثلاً بر اساس قاعده امکان، پوشیده بودن احوال راویان برای متأخرین در صورتی که احتمالات و قراینی یافت شود که عدالت و ایمان وی را تقویت کند مانع از حکم به جهل است (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۲، ج ۶، ص ۹۴).

نمونه دیگری از کاربست قاعده امکان در منتخب‌الاثَر، ذیل بابی تحت عنوان: «حَوْلَ اِخْتِلَافِ الْأَخْبَارِ فِي مُدَّةِ دَوْلَتِهِ وَ بَقَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامِ بَعْدَ ظُهُورِهِ» (همان، ص ۹-۸) است که احادیثش بسیار متنوع و بعضاً متعارض بوده، در مصادر شیعه (ابن طاووس، ۱۳۹۹ق، ص ۳۲۳، ح ۴۶۵؛ نعمانی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۵۳، باب ۲۶، ح ۱؛ طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۱۱-۱۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۹۰، باب ۲۷، ح ۲۱۲ به نقل از کتاب الغیبه السید علی بن عبدالحمید) و مصادر سنی (طبری، ۱۴۱۳ق، ص ۴۶۹ و ۴۸۰) نقل شده و به لحاظ سندی، در زمره اخبار ضعیف قرار می‌گیرند اما برخی موارد که طول حکومت امام را هفت سال و نه سال گفته‌اند نزد برخی عامه، صحیح است. غالب این روایات مدت حکومت را کوتاه و برخی دیگر به ندرت مدت طولانی را بیان کرده‌اند.

بر همین اساس، مؤلف منتخب‌الاثَر با روش طرح احتمال که بر مبنای قاعده امکان استوار است به استدلال درباره این روایات می‌پردازد و دو احتمال که بر اساس باورهای کلامی شکل گرفته را عاملی برای پذیرش روایت در حدود احتمالات می‌داند.

الف) احتمال اول عبارت است از «گسترش ظرف زمان» که به استناد آیه ۴۷ سوره ذاریات «إِنَّا لَمُوسِعُونَ» مطرح شده و با تکیه بر صفت گسترش دهندگی خداوند، این احتمال وجود دارد که صفت یاد شده به دوران ظهور و حکومت مهدوی نیز تعمیم یافته و زمان یک روزه به اندازه یک ماه و بیشتر امتداد یابد.

ب) احتمال دوم را با عنایت به باور کلامی رجعت ائمه (ع) مطرح می‌کند که به استناد آن با رجعت سایر ائمه (ع) پس از برپایی حکومت مهدوی، در صورت شهادت امام دوازدهم، حکومت ایشان همچنان ادامه می‌یابد.

با در نظر گرفتن احتمالات بیان شده که بر پایه نصوص استوار است، روایات در خصوص مدت حکومت مهدوی به علت پدیده تعارض در متن و ضعف در سند و ابهام عقلی طرد نمی‌شوند و همواره در زمره احتمالات باقی می‌مانند. در نهایت، به کارگیری این

مبنا، مسیری میانه را در مواجهه با اخبار مهدویت رقم می‌زند که از سویه‌های افراط و تفریطی اخباری‌گری و جمود بر متن از سویی، و طرد فراگیر روایات از سویی دیگر جلوگیری می‌کند و همچنان به نحو اجمالی بر امکان وقوعی مفاد آن اخبار تأکید دارد. قاعده امکان با بررسی احتمال صدق خبری و ما یخبر عنه، جایگزین مناسبی برای رویکردهایی است که بر صدق مخبری و راوی تأکید دارند و نتایج نسبتاً نامتناسبی به بار می‌آورند (برای نمونه ر.ک: میرسرراچی، ۱۳۹۹ش). به‌رغم پیش‌فرض‌های معدود افرادی در خصوص یکسان‌انگاری خبر واحد ضعیف و خبر جعلی، مؤلف منتخب‌الآثر چنین نظری ندارد و هر خبر واحدی را جعلی نمی‌داند.

هرچند بنا به دیدگاه پیش‌گفته مؤلف، اصل اولیه در اخبار اعتقادی عدم حجیت آن است اما با لحاظ قاعده امکان به عنوان یک مبنا مهم در اعتبارسنجی روایات مهدوی، طرد روایات بدون بررسی احتمالات و قراین موجود، ممکن نیست و در منتخب‌الآثر، هدف از اخذ اخبار واحد، الزاماً اثبات اعتبار این احادیث نیست، هرچند اعتبار برخی از روایات با بکارگیری روش‌های مؤلف اثبات شده است، اما هدف از بررسی این روایات، مقابله و تردید در احکام قطعی در خصوص جعلی بودن این احادیث است؛ زیرا به اعتقاد مؤلف این احادیث با وجود ضعف در سند، ممکن است دارای قراینی باشند که قابل اعتنا بوده و می‌توان به آنها استدلال نمود.

نتایج تحقیق

اعتبارسنجی روایات مهدوی در کتاب شریف منتخب‌الآثر به پیش‌فرض‌ها و مبانی حدیث‌شناختی فراسندی متکی است که در لایه‌های پنهان و آشکار متن و به نحوی غیر سامان‌مند قرار گرفته و این پژوهش توانست تا با روش تحلیل مضمون، آنها را پدیدار سازد. یافته‌های پژوهش، نشان داد هرچند منتخب‌الآثر به تبعیت از نظریه مشهور، خبر واحد را در اخبار اعتقادی دارای حجیت نمی‌داند اما پیش‌فرض‌های حدیثی‌اش به وضوح

روش‌شناسی قدما در تحمل حدیث را نقطه عزیمتی برای گزینش و اعتبارسنجی روایات می‌داند و تأکید دارد که نمی‌توان به روش و مبانی آنان بی‌اعتنا بود؛ این رویکرد که از معیارهای سندی برای اعتبارسنجی حدیث، فراتر رفته به قرآینی همچون ملازمت مبنای قاعده امکان و روش وجاده به عنوان یک مسیر واسط می‌نگرد و آن را پنجره‌ای به روی انسجام معرفتی پژوهش‌های حدیثی می‌داند، مبانی اعتبارسنجی روایی خویش را بر اساس شناخت روش قدما بنا نهاده و آن را نقطه اتکا و اعتماد به روایت موثوق بها لحاظ کرده است.

در این روش، نه اثبات مجعول بودن احادیث و نه خط بطلان کشیدن بر تمامی روایات مهدوی مطرح نیست، بلکه هدف از آن پیگیری قرائن و شواهدی است که نزد رجالیان و محدثان متقدم این قرائن نقشی تعیین کننده در سرنوشت حدیث داشتند. از جمله رؤس روش‌ها، یافتن تواتر اجمالی یا معنوی برای اخباری است که در بادی امر ممکن است خبر واحد در اعتقادات به شمار روند که این کار از طریق تکیه بر قرائنی از قبیل: تعدد طرق نقل روایت و در نظر گرفتن قرائن حاکی از اعتماد محدثان متقدم به روایان انجام گرفته است.

در مقابل رویکردهای سندگرا که به حکم ضعف پاره‌ای اسناد و تعارض ظاهری متون با یکدیگر، اعتبار بسیاری روایات را مخدوش می‌شمرد حفظ و توجه کل گرایانه به روایات مهدوی مدیون سازمان پیش‌فرض‌ها و مبانی در خوانش فراسندی منتخب‌الاثراست.

بازیابی روایات در منتخب‌الاثرا بر چینه‌های احتمالات و قرائن متکی بر نصوص استوار است که حتی اگر بر هر یک منفرداً قطع حاصل نشود نمی‌توان اما آنها را به یکباره کنار نهاد و با استناد به برخی شبهات و استدلال‌ها مانند مجهول بودن روایان، عدم اتصال سند، و توصیفات محض رجالیان بدون مبناشناسی آراء آنان و تعارض روایات با یکدیگر، متون روایی را مورد طعن و طرد قرار داد. با عنایت به پیش‌فرض‌ها، مبانی و اصول روش شناختی

اعتبار سنجی روایات مهدوی در منتخب‌الاثثر، بسیاری از روایاتی که ممکن است در نگاه سند‌گرا متهم به ضعف و نهایتاً طرد گردد جایگاه مناسب خود را بیابند.

مبنا و بستر فکری نظام اعتبار سنجی این کتاب، توانسته است در کلام امامیه به کار آید و نه تنها در خدمت دفاع از کلان‌آموزه‌های مهدوی قرار گیرد بلکه حتی از این ظرفیت برخوردار است که از خردآموزه‌هایی نیز که به عنوان مثال در علایم ظهور بررسی می‌شود به اجمال، دفاع کند. باید گفت نقطه عزیمت کتاب در واقع، در راستای اهداف و غایات کلامی بوده و همین امر به پیمایش مسیر بازسازی و واخوانش روایات فریقین و براساس متدولوژی متحفظانه و احتمال‌گرایی قرینه‌محور در حدیث انجامیده است. این زاویه دید روش شناختی در حوزه حدیث، بنیان‌های اندیشه مهدویت را گسترش می‌بخشد و با توسعه حداکثری در متدولوژی کاربست روایات حوزه مهدویت، فرصت‌های خاصی را برای تبیین‌های متکلمانانه از منابع موجود پیش رو می‌گشاید و امکان انسجام‌گرایی بیشتری را در تبیین آموزه‌ها و معارف این حوزه، فراهم می‌سازد.

در پایان، لازم به یادآوری است که یافته‌های این مقاله، فرصتی را مهیا می‌نماید تا با آشکار گردیدن مبانی و پیش‌فرض‌های خوانش فراسندی در منتخب‌الاثثر، مسأله توجیه معرفتی این رویکرد از نظرگاهی معرفت‌شناختی مورد بررسی قرار گیرد و نویسندگان، در پژوهشی دیگر به آن پرداخته‌اند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آقا بزرگ طهرانی، محمد محسن (بی تا)، *الذریعه الى تصانیف الشیعه*، بیروت: دارالأضواء.
۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۴۲۲ق). *الذها یه فی غریب الحدیث و الأثر*. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۲ق). *کمال الدین و تمام النعمه*. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۵. ابن عیاش الجوهری، الشیخ أحمد بن محمد (بی تا). *مقتضب الأثر فی النص علی الأئمه الاثنی عشر*. تهران: مؤسسه بعثه.
۶. ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴ش). *الرجال*. قم: دارالحدیث.
۷. ابن طاووس، رضی الدین علی بن موسی (۱۳۹۹ق). *الطرائف*. قم: خیام.
۸. تستری، محمد تقی. (۱۴۰۱ق). *الاخبار الدخیله*. تهران: مکتبه الصدوق.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۲ش). *و سائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۰. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷ش). *باز شناخت مبانی اصالت میراث حدیثی امامیه*. قم: دلیل ما.
۱۱. حارثی العاملی، حسین بن عبد الصمد (۱۴۳۶ق). *و صول الأخیار إلى اصول الأخبار*. تحقیق: جعفر مجاهدی، عطاء الله رسولی، عراق: العتبه الحسینیة المقدسه.
۱۲. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۶ق)، *اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرایه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۳. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۳۹۲ش). *منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر*، مترجم: محسن احمدی. تهران: مرکز فرهنگي انتشاراتی منیر.

- فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث»، سال ۱۸، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، پیاپی ۵۰، ۱۷۷
۱۴. طبرسی، احمد بن علی (۱۳۸۶ق). **الاحتجاج**، تحقیق: محمد باقر الخراسان. النجف الأشرف: دار النعمان.
۱۵. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق). دلائل الامامه. تهران: مؤسسه البعثه.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا). الفهرست. نجف اشرف: مکتبه المرتضویه.
۱۷. العاملی (الشهید الثاني)، الشیخ زین الدین بن علی (۱۴۳۳ق). **البدایه فی علم الدرايه**. قم: مرکز الأبحاث الدراسات الإسلامیه.
۱۸. العاملی (الشهید الثاني)، الشیخ زین الدین بن علی (۱۴۰۸ق). **الوعایه فی علم الدرايه**. قم: مکتبه آیه الله المرعشی.
۱۹. کشی، محمد بن عمر (۱۳۸۲ش). **اختیار معرفه الرجال**. تهران: وزراه الثقافه و الإرشاد الاسلامی، مؤسسه الطباعه و النشر.
۲۰. مامقانی، الشیخ عبدالله (۱۴۱۱ق). **مقیاس الهدایه فی علم الدرايه**. قم: موسسه آل البيت لإحياء التراث.
۲۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). **بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار(ع)**. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۶ق). **ملاذ الاخيار**. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی.
۲۳. مدیر شانه چی، کاظم (۱۳۷۲ش). **علم الحديث**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۸ق). **فهرست اسماء المصنفي الشيعه**. بیروت: دارالاضواء.
۲۵. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). **کتاب الغيبه**. تحقیق: فارس حسون. بیروت: دارالانوار.
۲۶. میرسراجی، سید مرتضی؛ مرادخانی، احمد؛ تجری، علی اصغر (۱۳۹۹ش). «هم سنجی و سندپژوهی اخبار ملاحم و فتن فریقین با محوریت تشخیص نفس زکیه». **تحقیقات علوم قرآن و حدیث**، شماره ۴۷.

27. Braun, V. Clarke. V. (2006), *Using thematic analysis in psychology*, Qualitative Research in Psychology. V 3, pp.77-101.

Bibliography:

1. The Holy Quran
2. Ibn Athīr, ‘Izz al-Dīn Abul Hassan Ali ibn Muhammad (1422 AH), *Al-Nahāyat fī Gharīb al-Ḥadīth wa al-‘Athar*, Beirut: Dar ‘Ihyā’ al-Turāth al-Arabi.
3. Ibn Bābiwayh MBA (Shaikh Ṣadūq) (1412 AH), *Kamāl al-Din Wa Tamām al-Ni‘mah*, Beirut: Mu’assisat al-A‘lamī lil-Matbū‘āt.
4. Ibn Ayāshī al-Jawhārī, Ahmad Ibn Muhammad (nd), *Muqtadhab al-Athar fī al-Nass ‘ala al-A‘immah al-Ithnā ‘Ashar*, Tehran: Be'tha Institute.
5. Ibn Qadhā’irī, Ahmad Ibn al-Hussein (1985), *Al-Rijāl*, Qom: Dar al-Hadīth Inst.
6. Ibn Tāwūs, Razī al-Din Ali Ibn Musa (1399 AH), *Al-Tarā’if*, Qom: Khayyam.
7. Tehrani, Aqā Bozorg Mohammad Mohsen (nd), *Al-Dharī‘ah ilā Tasānīf al-Shī‘a*, Beirut: Dar al-Adhwā’.
8. Shūshtarī, Mohammad Taqi (1401 AH), *Al-Akhhbār al-Dakhīla*, Tehran. Sadūq Library.
9. Hurr ‘Amilī, Muhammad ibn Hassan (1993), *Wasā’il al-Shī‘ah ilā Tahsīl Masā’il al-Sharī‘ah*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islāmiya.
10. Hoseni Shirazi et al (2018), *Recognizing the Principles of Imami Hadith Heritage*, Qom: Dalil-e Ma.
11. Hārethī al-‘Āmelī, Hosein Ibn ‘Abd al-Samad (1436 AH), *Wusūl al-Akhyār ilā ‘Usūl al-Akhhbār*, Iraq: Al-‘Atabat al-Husayneeya al-Muqaddasa.
12. Sobhani Tabrizi, Jafar (1416 AH), *Usūl al-Hadith wa Ahkāmuhū fī ‘Ilm al-Dirāyah*, Qom: Islamic Publication Inst.
13. Safī Golpayegani, Lotfollah (2013), *Muntakhab al-Athar fī al-Imam Thānī ‘Ashar*, Trans. Mohsen Ahmadi, Tehran: Monir Publication.
14. Ṭabrisī Fadl ibn Hassan (1386 AH), *Al-Ihtijāj*, Najaf: Dar al-Nu‘mān.
15. Ṭabarī, Muhammad bin Jarīr (1413 AH), *Dalā’l al-‘Imāmah*, Qom: Be'that.
16. Tūsī, Muhammad Ibn Hassan (nd), *Al-Fehrest*, Najaf: Murtadavīya Publication.

17. Āmilī, Shahīd Thānī, Zayn al Din Ibn Ali (1433 AH), *Al-Bidāya fi 'Ilm al-Dirāya*, Qom: The Centre for Islamic Studies.
18. Āmilī, Shahīd Thānī, Zayn al Din Ibn Ali (1408 AH), *Al-Ri'āya fi 'Ilm al-Dirāya*, Qom: Ayatollah Marashi Library Pub.
19. Kashī, Muhammad Ibn 'Umar (2003), *Ikhtiyār Ma'rifat al-Rijāl*, Tehran: Publication of Ministry of Culture.
20. Māmaqānī, Abdullah (1411 AH), *Miqbās al-Hidāya fi 'Ilm al-Dirāya*, Qom: Āl al-Bayt li Ihyā' al-Turāth Institute.
21. Majlisī Muhammad Baqer (1403 AH), *Biḥār Al-'Anwār*, Beirut: Dar 'Ihya' al-Turath al-Arabi.
22. Majlisī Muhammad Baqer (1406 AH), *Malādh al-Akhyār*, Qom: Ayatollah Mar'ashī Najafī Library Pub.
23. Modir Shanechi, Kazem (1993), *'Ilm al-Hadith*, Qom: Islamic Publications Office.
24. Najāshī, Ahmad Ibn Ali (1408 AH), *Fihrist 'Asmā' al-Musanafi al-Shia*, Beirut: Dar al-Adhwā'.
25. Nu'mānī, Muhammad ibn Ibrāhīm (1422 AH), *Al-Ghaybah*, By: Fāris Hassūn, Beirut: Dar al-Anwār.
26. Mīrserājī, Seyed Morteza, Moradkhani, Ahmad, Tajari, Aliasghar (2020), "Comparative evaluation of Isnāds of malāhim and fitan news in Shiite and Sunni texts, emphasizing the Nafs Zakiya", *Researches of Qur'an and Hadith Sciences*: doi: 10.22051/tqh.2021.33283.2988.
27. Braun, V. Clarke. V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2): p. 77-101.